

عنوان مقاله :

## مطالعه و تجزیه و تحلیل واژگانی و ریشه شناسی واژه های هنری مورد استفاده در زبان انگلیسی ، رشته نقاشی

دکتر الیاس صفاران 1 ، النا طبوبائی 2

1. استادیار گروه هنر دانشگاه پیام نور ، تهران ، ایران

[saffaran@pnu.ir](mailto:saffaran@pnu.ir) ، دانشگاه پیام نور ، صندوق پستی 19395-3697 تهران ، ایران

2. دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر دانشگاه پیام نور ، تهران ، ایران

ایمیل : [elena\\_toubaee2007@yahoo.com](mailto:elena_toubaee2007@yahoo.com)

### چکیده:

واژگان مولفه اصلی مهارت زبانی است و پایه و اساس چگونگی یادگیری گفتاری، نوشتاری و شنیداری را فراهم می سازد. از آنجایی که افراد متفاوتی درگیر زبان دوم می باشند مانند : تهیه کنندگان مطالب درسی، طراحان سرفصل های دروس ، دانشجویان و معلمان ، اهمیت این موضوع بیش از پیش افزایش می یابد. از این رو پژوهش حاضر سعی دارد تا از طریق ریشه یابی واژگان هنری، این امکان را برای دانشجویان هنر بویژه، دانشجویان رشته نقاشی فراهم نماید تا بدون نگرانی از بخاطر سپردن لغات انگلیسی، تنها از طریق تجزیه و تحلیل آنها به معنا و کاربرد لغات پی ببرند. در واکاوی این پژوهش این سوال مطرح می گردد: که تجزیه و تحلیل واژگانی چیست و چگونه از طریق آن می توان به معنای اصلی یک واژه پی برد در بحث روش تحقیق جهت گردآوری اطلاعات ، از منابع کتابخانه ای ، مقالات و کتابهای مورد نیاز استفاده گردیده است . همچنین در این پژوهش ، به معرفی ریشه ها ، پسوند ها و پیشوندهای یونانی و لاتین موجود در زبان انگلیسی و تجزیه و تحلیل چهل واژه هنری در رشته نقاشی ، پرداخته شده است. نتیجه حاصل شده اینگونه است که در تجزیه واژگانی میتوان واژگان را به عناصر تشکیل دهنده آن تجزیه نمود و سپس با کنار هم قرار دادن این تکواژها به معنی کل واژه دست یافت.

واژگان کلیدی : تجزیه و تحلیل واژگانی ، ریشه شناسی ، زبان انگلیسی ، نقاشی

## مقدمه:

بی تردید زبان یکی از مهم ترین پدیده های موجود در عالم آفرینش بشمار می رود . این پدیده یکی از اجزای اصلی و لاینفک وجود آدمی است که با جنبه های مختلف زندگی فردی و جمعی انسان در ارتباط است . در گذشته گمان بر این بود که زبان امری ثابت است و صورت واحدی دارد و تحولی در آن راه نمی یابد اما امروزه مسلم است که زبان ثابت نبوده و در طی زمان تحول و تغییر می پذیرد . (باقری 1376، ص 5) شناخت زبان و نمود آوایی آن یعنی گفتار از این جهت ضروری به نظر می رسد و البته این امر بدون شناخت اجزای تشکیل دهنده آن میسر نیست . در بین واحد های تشکیل دهنده زنجیره گفتار واژه نقش مهم و تعیین کننده را ایفا می کند .

در میان آموزه های مذهبی منشاء پیدایش کلمه " آسمانی " دانسته شده است . مثلاً در قرآن کریم آمده است : " فتلقی آدم من ربه کلمات فتاب علیه " (آیه ، سوره بقره ) و یا در انجیل ذکر شده است : " در آغاز کلمه بود ، کلمه با خدا بود و کلمه خود خدا بود . از ازل کلمه با خدا بود ، همه چیز بوسیله او هستی یافت و بدون او چیزی آفریده نشد . " این رویکرد مذهبی به واژه، اهمیت آن را در چارچوب زندگی بشری و ارتباط عمیق آن با حوزه های فکری و اندیشه انسانی را نشان می دهد . وقتی کودکی شروع به صحبت کردن می نماید ، بیان اولین واژه از سوی او باعث شگفت زدگی مادر می شود . (مک کارتی 1، ص 40)

واژه شامل یکی از سه عنصر اساسی (صدا، واژ و گرامر یا دستور زبان) در یک زبان می باشد (ژی لیانگ 2، 2010، ص 154) و برای ارتباط انسانی و فراگیری زبان بسیار مهم بوده و در تمام مراحل فراگیری زبان دوم نقش مهمی را ایفا می کند. بسیاری از فراگیران زبان اذعان می کنند که مشکل اصلی آنها در یادگیری زبان فقدان دانش واژگانی است و بیان می دارند که سطح واژگانی ضعیف آنها مانع فراگیری مهارت های زبانی شامل درک شنوایی، درک گفتاری، درک نوشتاری، درک خواندن و همچنین ترجمه می شود. آنها همچنین این مسئله را مانع بزرگی در راه ایجاد ارتباط موثر می دانند. برخی از محققین بر این باورند که اگر فراگیران زبان انگلیسی، به ریشه شناسی واژه ها تسلط نمایند و به عبارتی دیگر، به قوانین شکل گیری واژه و همچنین وند سازی واژه ها (واژه های یونانی و لاتین) واقف باشند، میتوانند به صورت قابل توجهی واژه هایی را که از این ریشه ها، پیشوندها و پسوندها مشتق شده اند را حدس بزنند (تهینه 1002، ص 25) تحقیق بسیاری نیز بر ارتباط نزدیک بین دانش واژگانی و تسلط بر زبان دوم اذعان نموده اند (گلکار و یمینی، 2007، مک کارتی، 2007، سلمانی فرد 2011، ژی-لیانگ 2010) از این رو تسلط بردامنه وسیعی از لغات انگلیسی ضروری به نظر می رسد و واژگان بعنوان بخش ساختاری زبان، مهمترین جنبه یادگیری زبان خارجی می باشد. (اشمیت، 2001، ص 53) آنچه که ضروری به نظر می رسد، وجود راهکاری است که به امر فراگیری لغات جدید سرعت بخشیده و آن را تسهیل نماید.

## ---تعاریف:

علیرغم تمام پیچیدگی ها و غموض مفهوم واژه و زبان ، بسیاری از زبان شناسان و دستور نویسان در حد توان خود کوشیده اند ، با تعریف آن ، تصویری نسبتاً صحیح از مفهوم واژه در ذهن مخاطب ایجاد کنند که در ذیل به تعدادی از آنها اشاره می شود:

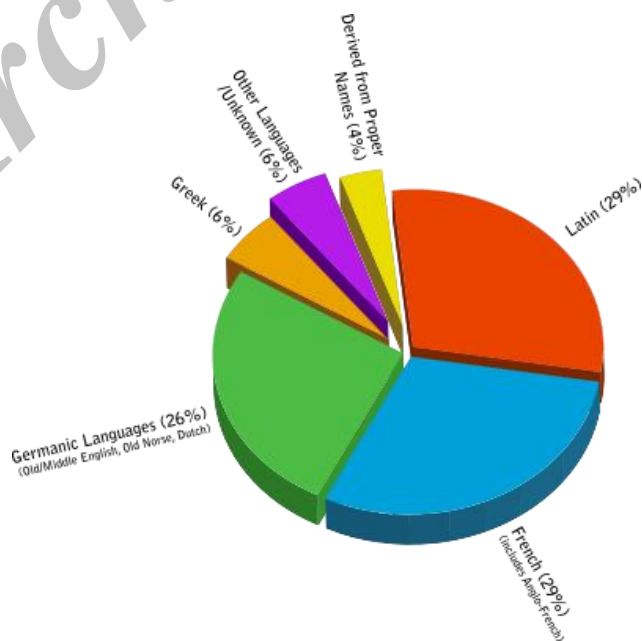
## زبان :

زبان سیستمی کلامی و نوشتاری است که انسان را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی و فرهنگی قادر می سازد تا خود را ابراز نماید . " هانری سوئیت 3 " ، محقق آواشناسی ، در تعریف زبان بیان می دارد : " زبان گونه ای نشانه ای است که بوسیله آن

موجود زنده ای بتواند حالت یا معانی موجود در ذهن خود را به ذهن موجود زنده دیگر انتقال دهد. " (خانلری ، 1382 ، ص 3) . از دیرباز دانشمندانی که با علم لغت سروکار داشتند ، به همانند هایی میان برخی از زبان ها برخورد کرده بودند . شاید یکی از موجبات توجه به این نکته ، ترجمه و نشر کتاب های مقدس مسیحیانی بود که مبلغان مسیحی برای ترویج دین خود فراهم می کردند . مقابله و مقایسه این متون در زبان های مختلف ، مطابقت بعضی از زبان های ژرمنی و فارسی را نشان داد و از آنجا این فکر ایجاد شد که میان زبانها نوعی خویشاوندی وجود دارد .

در قرن هجدهم ، " ویلیام جونز 4" از روی مشابهت های فراوانی که بین زبان های سانسکریت ، یونانی و لاتین مشاهده کرد ، دریافت که این زبان ها باید دارای یک نوع رابطه خویشاوندی باشند زیرا نه تنها ساختمان اصلی آنها به هم شبیه است بلکه ریشه لغات و کلمات اصلی نیز در این زبان ها مشترک می باشد . لذا اعلام کرد که زبان های ذکر شده با یکدیگر ارتباط دارند و احتمالاً از زبان سانسکریت کهن مشتق شده اند . تحقیقات دانشمندان بعدی از جمله " پوپ 5" در قرن نوزدهم ، نظریه " ویلیام جونز" درباره هم خانواده بودن زبان های سانسکریت ، یونانی باستان ، لاتین و فارسی را تایید کرد . در ادامه این قبیل بررسیها معلوم گشت ، زبان سانسکریت منشاء این زبان ها نبوده بلکه خود شاخه ای از زبان قدیمی و فراموش شده ای است که مقدم بر همه این زبان ها می باشد . ( باقری – 1376 ص : 5)

عده ای مانند "باخ" و "کی بل" (1993) اعتقاد دارند که زبان انگلیسی دارای جنبه های مهمی بوده و یکی از این جنبه ها – ویژگی ترکیبی واژگان است . آنها معتقدند که زبان انگلیسی مانند زبان آلمانی طبقه بندی شده می باشد و این بدان معناست که زبان انگلیسی به گروهی از زبان ها مانند : "آلمانی" ، "هلندی" ، "فلاندری" ، "دانمارکی" ، "سوئدی" و "نروژی" تعلق دارد، همچنین ، واژگان و ساختارهای دستوری مشترکی بین این زبان ها برقرار است . به عبارت دیگر بیش از نیمی از واژگان انگلیسی از "لاتین" ، بعضی از "زبان فرانسوی" و تعدادی دیگر از "زبان های رومی" وام گرفته شده است . زبان انگلیسی علاقه ای به ایجاد واژگان جدید از طریق ترکیب عناصر موجود ندارد و دقیقاً در چند مورد از منابع زبانی خارج گشته و از دیگر زبانها اقتباس کرده است .



## 2- واژه

مفهوم واژه و ارائه تعریفی کارآمد از آن کار ساده ای نیست و دشواری این کار از تحلیل ساده ترین داده های زبانی آشکار می شود، هر چند اهل زبان به طور شمی، مفهوم واژه را می سازند و از این واحد ساختاری در تولید جمله ها (نحو) استفاده می کنند (یول، جورج 6، ص: 25). اصطلاح واژه را می توان در دو مفهوم به کار برد: یک مفهوم آن صورت انتزاعی و ذهنی است که در نظام درونی زبان قرار دارد و مفهوم دیگر آن به کاربردهای مختلف بر اساس ضرورت های نحوی باز می گردد که از آن با عنوان "صورت واژه 7" یاد می شود. مجموعه واژه های ذهنی را در مطالعات زبان شناختی نوین، "واژگان" می نامند (یول، جورج ص: 25). نویسندگان کتاب "لغت نامه زبانشناسی کاربردی و آموزش زبان لانگ من 8" و استاد مشاور "پروفیسور کاندلین 9" معتقدند: "واژه کوچک ترین واحد زبانی است که می تواند مستقلا در گفتار یا نوشتار پدیدار شود." جولیا اس فالک 10 در این باره می گوید: "واژه هر آن واحد زبانی را گویند که در نوشتار بین فواصل یا بین یک فاصله و خط تیره ظاهر می شود."

بنا بر آنچه گفته شد، یکی از عناصر مهم در یادگیری زبان دوم - واژه است. اما تعریف واژه به معنای واقعی چیست؟ "واژه به گروهی از لغات یک زبان اطلاق می شود" (نیونان 11-2003) "همچنین یکی از سه عنصر اساسی در زبان می باشد. (ژی لیانگ، 2010- ص: 154) مک کارتی در سال 1990 بیان می کند: "بدن وجود میزان وسیعی از لغات - ارتباط به صورت معنادار و دقیقی در زبان دوم صورت نمی پذیرد." "لغت واحدی منفرد در زبان است که در نوشتار و کلام نماینده می شود. (نیشن 12-2001 - ص: 45) با توجه به تعاریف ارائه شده از واژه - افزایش دایره واژگانی باعث افزایش مهارت های زبانی مانند: شنیداری - کلامی - خواندن و نوشتن می گردد لذا در این پژوهش سعی شده است درباره اهمیت واژگان در دستیابی به معنای اصلی لغت از طرق تجزیه و تحلیل واژگانی اشاره شود.

--- روش های دستیابی به معنای واژگان :

سه روش برای این منظور وجود دارد که در ذیل به آنها پرداخته می شود :

### 1- واژه یابی :

پر واضح است که هر فردی که بر روی متنی فعالیت دارد - باید به معانی لغات آن متن احاطه و اشراف داشته باشد. برای مدت ها، فراگیری واژگان از طریق بکارگیری "لغت نامه" یا "روش لغت نامه ای" بوده که در این حالت - شخص به راحتی برای جستجوی لغات ناشناخته - به سوی واژه نامه - کتاب درسی و یا لغت نامه هدایت می شده است. این روش دارای نواقصی بود، زیرا هر واژه، واژگان ناشناخته دیگری را برای او فراهم می نمود که باعث سردرگمی وی گشته و فراگیری لغت را مشکل می نمود.

### 2- تفسیر حاشیه ای :

روش دیگری که به فرد برای یافتن معنی لغات کمک می کند، روش تفسیر حاشیه ای است. یادداشت برداری در اطراف حاشیه متن، در همان صفحه یا صفحه ای دیگر، به عنوان واسطه ای بین متن و شخص عمل می کند. تفسیر ها عملکرد های متفاوتی دارند و به کد گشایی کردن متن از طریق آماده سازی دانش اضافی در محتوای خاص، کمک می نمایند. در فراگیری "زبان دوم 13"، تفسیر غالباً به معنای دادن اطلاعات در رابطه با لغات مهم از طریق تعاریف یا مترادف می باشد. (نی شن، 2001، ریچ گلزو ماتچا 14، 1984، استوارت و گراس 15، 1991، استوارت و گراس، 1993). دو دلیل مهم برای استفاده از این روش یکی در درک مطلب و دیگری در یادگیری واژگان می باشد.

### 3- حدس زدن معانی واژگان :

بر اساس مطالب ذکر شده ، افراد می توانند معانی لغاتی که با آنها آشنایی ندارند را از طریق واژه نامه یا فرهنگ لغت بدست آورند . اما زمانیکه چنین ابزاری در دسترس نباشد، فرد به ابزار مفید دیگری برای دستیابی به معانی لغات جدید نیازمند است . برای حدس زدن معانی، فرد باید معنی واژگان را از طریق عوامل " بیرونی " یا " درونی " که بر معنا تاثیر می گذارند، بدست آورد . عوامل بیرونی " راهنمای بافتی 16" و عوامل درونی به عنوان " قانون ساختواژه ای 17" معرفی می گردند .

### --- واژه شناسی 18 و فرآیند های آن :

متون و مفاهیم دربرگیرنده گروه عظیمی از لغات هستند که از طریق این لغات می توان معانی را تولید یا انتقال داد . در دنیای علمی امروز، زمان و ابزار یکی از مهمترین عوامل دستیابی به نتایج بهتر است . بر این اساس ، فرهنگ های لغت و واژه نامه های بسیاری در سالهای اخیر به چاپ رسیده است . چنین ابزاری می توانند مفید بوده و روند پژوهش را تسریع بخشند . اما گاهی استفاده از فرهنگ های لغت به جهت صرف کردن زمان و محدودیت های محیطی امکان پذیر نیست . در این حالت فرد نیاز به ابزار مفیدتری دارد .

واژه شناسی مطالعه ساختار درونی واژگان است و از واژه یونانی morpheme که واژه ای مربوط به یونان باستان است، اقتباس شده است. مهمترین بخش واژه شناسی تکواژ است که بعنوان بخش کوچک معنایی شناخته می شود. از آنجا که این مطالعه در دو سطح ساختار آوایی و معنای واژگان صورت می گیرد ، میتوانیم اذعان کنیم که واژه شناسی مطالعه تغییر همگام نظام مند واژگان از نظر صورت و معناست . تحلیل ساخت واژه ای در درجه اول ، شامل شکستن واژه ها و رسیدن به اجزای آن و کشف قوانین حاکم بر این اجزا است . همانگونه که آگاهیم ، به کوچکترین سازه های معنا دار یا نقش دار واژه ها، " تکواژ 19" می گویند . از این رو واژه شناسی مطالعه ترکیب تکواژها برای تولید واژه هاست و علمی است که به مطالعه واژگان و این که آنان چگونه برای تولید واژه ای جدید در کنار هم قرار می گیرند ، اشاره دارد. برای نمونه لغت unhappiness را در نظر بگیرید. این واژه دارای سه تکواژ است که هر کدام دارای معنی مشخص میباشند: un ، یک پیشوند و به معنای، (نه)، happy ، تکواژی آزاد است زیرا به تنهایی و به خودی خود دارای معنا بوده و به معنای شاد بودن میباشد و در انتها واژه ، ness که پسوندی اسم ساز است قرار دارد. شکل ذیل گویای مطلب است.



واژه شناسی شاخه ای از علم زبان شناسی است و با ساختار درونی لغات و نیز نسبت های صوری که بین واژگان یک زبان وجود دارد در ارتباط است . " هاس پلماس 20 " ( 2002 ) اعلام می دارد که واژه شناسی ، مطالعه نظام مند به هم تغییری در شکل و معنای لغات است . بر اساس نظریه " آرنوف 21 " ( 1976 )، ساده ترین هدف نحو -شمارش طبقه جملات ممکن در یک زبان است . بنابراین ساده ترین وظیفه واژه شناسی، حداقل آنچه انتظار می رود -شمارش طبقات ممکن در یک زبان بوده و به جای توجه به تکامل لغات ، به مطالعه ساختار لغات می پردازد .

" مک کارتی " " در کتاب مقدمه ای بر واژه شناسی انگلیسی " دو ویژگی را برای لغات در نظر می گیرد :

1- دسته ای از لغات که دارای معانی " غیر قابل استناد 22" بوده و در لغت نامه ها جای می گیرند .

2- دسته ای از لغات که دارای عناصر واژگانی می باشند .

" مک کارتی " واژگان گروه اول را به عنوان " بخش لغوی " و واژگان دسته دوم را به عنوان " لغت " به کار می برد .

### شکل گیری واژه به صورت کلی به دو گروه عمده تقسیم می شود :

- گروه اول شامل : " وند افزایی 23" ، " روش ترکیبی 24" و " تبدیل 25" است که بعنوان اشکال " قابل استناد 26" شناخته می شوند .

- گروه دوم شامل : " بریده سازی 27" ، " آمیزه سازی 28" ، " سرنام سازی 29" ، " وام گیری 30" ، " پس سازی 31" و " ابداع 32" است که بعنوان اشکال " غیر قابل استناد " معرفی می شوند . ( تهینه 33 ، 2010 ، ص 8 )

وی عنوان می کند که " ریشه شناسی " به گروه اول شکل گیری واژه که شامل معانی ریشه های لاتین و یونانی ، وندها (

پیشوند ، پسوند ، میانوند ) بوده ، مربوط می شود . ( تهینه ، 2010 ، ص : 6 )

در ذیل به طور اختصار به روش های شکل گیری واژه یا فرآیندهای واژه سازی اشاره می گردد :

#### 1- وندافزایی :

روشی است که در آن لغات جدید بوسیله اضافه نمودن وندها 34 ( پیشوند 35 ، پسوند 36 ، میانوند 37 ) به انتهای آنها ایجاد می شوند مانند :

نمونه فارسی ----- دانشگاه = دانش + گاه

نمونه انگلیسی ----- speaker = speak + er

#### 2- روش ترکیبی :

" یول 38" (1996) بیان می کند : " هنگامی که دو واژه مجزا به منظور بوجود آوردن واژه ای جدید با یکدیگر ترکیب شوند ، این عمل را روش ترکیبی می نامند ."

نمونه فارسی ----- تماشاخانه ، تماشا + خانه

نمونه انگلیسی ----- Text book = Text + Book

#### 3- روش تبدیل :

روشی است که به فرآیند تغییر و تبدیل یک واژه بدون تغییر شکل آن اطلاق می شود . برای نمونه واژه " (butter) " به معنای " کره " ، امروزه به صورت " فعل " و به معنای " کره مالیدن " نیز به کار می رود . مانند :

نمونه فارسی ----- آیا به نان کره مالیده ای ؟

نمونه انگلیسی ----- Have you buttered the toast ?

\* روش تبدیل شامل : روش تبدیل اسم به فعل ، فعل به اسم ، صفت به اسم و روش تبدیل صفت به فعل می باشد .

#### 4- روش بریده سازی :

روشی است که در آن فقط بخش نخست از واژه ای چند هجایی جدا شده و به جای آن واژه به کار می رود . مانند :

نمونه فارسی ----- "آک " بجای " آکبند "

نمونه انگلیسی ----- Phone بجای Telephone

#### 5- روش آمیزه سازی :

روشی است که در آن برای بیان یک چیز ، از ترکیب ویژگیهای آن چیز ، واژه ای جدید پدید می آید . مانند :

نمونه فارسی ----- " فینگلش " ، فارسی + انگلیسی

نمونه انگلیسی ----- Motel = Motor + Hotel

#### 6- روش سرنام سازی :

این روش نمونه ای از "علامت اختصاری 39" است ، زمانیکه واژگان جدید از حروف نخست چند واژه گرفته شده باشد . تفاوت سرنام سازی و علامت اختصاری در این است : که اولی را می توان همانند یک واژه نامید در حالیکه در علامت اختصاری ، باید حرف به حرف یا جدا جدا به زبان آورده شود .مانند :

نمونه سرنام سازی ----- UNICEF = The United Nations Children's Fund

نمونه علامت اختصاری ----- C . I . A = Central Intelligence Service

#### 7- روش وام گیری 40 (یا روش واژگان بیگانه ) :

یکی از متعارف ترین منابع واژگان جدید در زبان انگلیسی ، روش وام گیری می باشد . واژگانی که از طریق این روش از زبانهای دیگر بوجود می آیند ، واژگان بیگانه نامیده می شوند . بیش از 80٪ از واژگان زبان انگلیسی ، جزء واژگان بیگانه بشمار می روند که از بیش از 120 زبان دنیا اقتباس شده اند . مانند :

Balcony ----- is an Italian word

Paradise ----- is a Persian word

## 8- روش پس سازی :

به روشی اطلاق می گردد که در آن با حذف پسوند یک واژه، واژه ای جدید ساخته می شود . مانند :  
Editor ----- Edit

## 9- روش ابداع :

روش است که در آن ، واژه ای کاملاً جدید که ریشه در هیچ زبانی نداشته باشد ساخته می شود . مهم ترین این واژگان از اسامی تجاری، به منظور تولیدات تجاری ، وارد زبان می شوند . مانند :

نمونه فارسی ----- آسپرین و نایلون

نمونه انگلیسی ----- Aspirin & Nylon

\_ نمونه ای از تجزیه و تحلیل واژگانی رشته نقاشی :

در این بخش به صورت اختصار به نحوه تجزیه و تحلیل واژگانی ، چهل واژه هنری رشته نقاشی پرداخته شده است .

	واژه های رشته نقاشی	پیشوند	ریشه	مبدأ ریشه	پسوند	معنی انگلیسی واژه	معنی فارسی واژه
1	a/chromatic	a: without	chromat: colour	یونانی	ic: adj suffix	without colour	بی رنگ
2	a/sym/metr/y	a: without sym:same	metr: measure	یونانی	y: noun suffix	without the same measure	نامتقارن
3	ad/jac/ent	ad: to / near	jac: lie	لاتین	ent: adj suffix	Sth That lies near	همجوار
4	abst/ract	abs: away	tract: pull	لاتین	-	pull away	انتزاعی
5	de/form/ation	de: remove/ down	form: shape	لاتین	ation: noun suffix	removing the form	مشکل زدائی
6	dens/ity	-	dens: thick	لاتین	ity: : noun suffix	thickness	غلظت - مات شدگی
7	en/caust/ic	en: put into	caust: burn	یونانی	ic: : adj suffix	put into burning	رنگ مومی
8	equi/libr/ium	equi: equal	libr: weight- balance	لاتین	ium: : noun suffix	a state of balance	تعادل
9	fict/ive	-	fict: fiction - shape	لاتین	ive: adj suffix	not real	غیرواقعی
10	fauv/ism	-	fauv: wild animal	فرانسوی	ism: : noun suffix	wildness	مکتب نقاشی به کار بردن رنگهای تند - ددگری



11	gesture/al	-	gestur: shape/ form	لاتین	al: adj suffix	related to the form	اشاره ای
12	di/morph/ic	di: two	morph: form	یونانی	ic: adj suffix	two shapes	دو شکل
13	hagio/graph/y	hagio: holy	graph: write	یونانی	y: : noun suffix	holy writing	مقدس نگاری
14	homo/gene/ity	homo: same	gene: type-race	یونانی	ity: adj suffix	have the	تجانس
	واژه های تیتیر نقاشی	پیشوند	ریشه	ریشه	پسوند	معنی انگلیسی واژه	معنی فارسی واژه
15	im/macul/ate	im:not	macul: spot	لاتین	ate: adj suffix	spotless	بدون لک - پاک
16	increment/al	-	increment: increase	لاتین	al: adj suffix	increasing	رشدیابنده (طراحی)
17	in/nov/ation	in: into	nov: new	لاتین	ation: noun suffix	the use of a new idea or method	نوآوری
18	iso/chromat/ism	iso: equal	chromat: colour	یونانی	ism:noun suffix	the equal colour	رنگ گذاری همسان
19	juxta/posit/ion	juxta: near	pos: put	لاتین	ition: noun suffix	putting near	پهلوی به پهلوی گذاری
20	kine/tic	-	kine: move	یونانی	tic: adj suffix	related to movement	جنشی - حرکتی
21	luminism	-	lumen: light	لاتین	ism: noun suffix	lightning	هنر نورآرائی
22	memento/mori	-	memento: memory mor: death	لاتین	-	memory of death	نقاشی یادآور مرگ
23	meso/lith/ic	meso: middle	lith: stone	یونانی	ic: adj suffix	related to the middle stone	میان سنگی
24	mono/chrome	mono: one	chrome: colour	یونانی	-	one colour	تک رنگ
25	heo/lith/ic	neo: new	lith: stone	یونانی	ic: adj suffix	related to new stone	نوسنگی
26	palaelith/ic	palaeo: ancient	lith: stone	یونانی	ic: adj suffix	related to ancient stone	پارینه سنگی
27	polychromat/ic	poly: many	chromat: colour	یونانی	ic: adj suffix	related to many colors	چند رنگ
	واژه های تیتیر نقاشی	پیشوند	ریشه	ریشه	پسوند	معنی انگلیسی واژه	معنی فارسی واژه
28	re/con/struct/ion	re:back / again con:together	struct: make	لاتین	ion: noun suffix	the process of making again	بازسازی
29	e/naiss/ance	re;back / again	naiss: birth	فرانسوی	ance: noun suffix	re birth	نوزائی
30	etro/spect/ive	retro: back ward	spect: look	لاتین	ive: adj suffix	relating to or thinking about the past	نگاهی به آناریک نقاش

31	sanguine	-	sanguine: blood	لاتین	-	red pencil	مداد قرمز ، قرمز خونی
32	sym/metr/y	sym: same	metr: measure	لاتین	y: noun suffix	of the same measure	مقارن
33	syn/chron/ism	sym: same	chron: time	یونانی	ism: noun suffix s: plural suffix	happening at the same time	تلفیق گری رنگ
34	tetrad/s	tetrad; four	-	لاتین	s: plural suffix	having of four colours	رنگهای مرتبه چهارم
35	topo/graph/ical	topo: place	graph: write	یونانی	ical: adj suffix	describing of a place	موضعی – جغرافیایی
36	trans/par/ant	trans: from one place to another	par: show	لاتین	ant; noun suffix	show across	شفاف
37	tre/foil	tre: three	foil: leaf	لاتین	-	having three leaves	طرح 3 برگی
38	un/veil/ing	un: not	veil: cover	لاتین	ing: noun suffix	uncovering	پرده برداری از روی اثر هنری
39	vivi/d/ness		vivi: life	لاتین	ness: noun suffix	energy and life	شادابی رنگ
40	Zoo/morph/ic	zoo: animal	morph: shape	یونانی	ic : adj suffix	the shape of animal	جانورسان

### نتیجه گیری:

هدف از این پژوهش شناسایی و ارائه روش تجزیه و تحلیل واژگانی و ریشه شناسی در زبان انگلیسی و کاربرد آن در واژه های هنری برای دانشجویان رشته نقاشی بوده تا فراگیران این رشته بتوانند به سهولت به تشخیص معانی واژگان انگلیسی بپردازند. علاوه بر این؛ از طریق دستیابی به ریشه های یونانی و لاتین در واژه های آکادمیک ، این امکان برای آنها فراهم می شود تا معانی واژگان برایشان واضح تر گردد. در این پژوهش سعی گردید در جدول پیوست به صورت اختصار ، به نحوه تجزیه و تحلیل واژگانی پرداخته شود. در این بخش از بین چهار واژه هنری رشته نقاشی ، واژه “achromatic” به عنوان نمونه جهت تجزیه و تحلیل انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت تا از این طریق فراگیران زبان ، با نحوه و عملکرد این روش آشنایی بیشتری کسب نمایند که در ذیل به آن اشاره شده است.

“achromatic” واژه ای است که از سه تکواژ تشکیل شده است. تکواژ اول حرف “a” ، پیشوندی است که به معنای without (بدون – فاقد) بوده و تکواژ دوم لغت “chromat” که به عنوان ریشه این واژه شناخته می شود ، مبدأ آن یونانی بوده و به معنای

رنگ می باشد تکواژ سوم ، پسوند صفت ساز "IC" است که از ترکیب این سه تکواژ معنای انگلیسی without colour و معنی فارسی «بدون رنگ» حال می گردد.

لازم به ذکر است که روش تجزیه و تحلیل واژگانی و ریشه نقاشی واژگان انگلیسی روشی است که برای عموم زبان آموزان در هر مقطع و در هر رشته ای قابل کاربرد می باشد.

پی نوشت:

- 1- Mac Carthy
- 2- Zhi – Liang
- 3- Hanry Sweet
- 4- William Jones
- 5- Pop
- 6- Yule – George
- 7- word – form
- 8- Longman Dictionary of Language Teaching and Applied Linguistic
- 9- Prof. Candelin
- 10- Julia . S. Fulk
- 11- Nunan
- 12- Nation
- 13- Second language
- 14- Richgels & Mateja
- 15- Stewart & Gross
- 16- Contextual clues
- 17- Morphological rule
- 18- Morphology
- 19- Morpheme
- 20- Haspelmath

- 21- Arnoff
- 22- Unpredictable
- 23- Affixation (derivation)
- 24- Compounding
- 25- Conversation
- 26- Predictable
- 27- Clipping
- 28- Blending
- 29- Acronyms
- 30- Borrowing
- 31- Back formation
- 32- Coinage – invention
- 33- Tahineh
- 34- Affixes
- 35- Prefixes
- 36- Suffixes
- 37- Infixes
- 38- Yule
- 39- Abbrivation
- 40- Loan words

## References:

- Aronoff, M, (1976). *Word – Formation in generative grammar*. Cambridge: MIT Press.
- Emadin, A. & Yazdani Moghadam, m. (2008). *The effect of teaching word formation knowledge on sentence restatement and in ferencing*. Unpublished M.A. thesis, Islamic Azad University, Roudehen Branch, Iran.
- Hashemi, M, & Aziznezhad, M. (2011). *The impacts of teaching word formation knowledge in creasing the Nursing students’ reading comprehension skill [Electric Version]*. *Academic Research International*, I(1) , 1063-111.
- Haspelmath, M, (2002) *Understanding Morphology* oxford university press, Inc
- <https://en.wikipedia.org/wiki/English-prefix>
- <https://en.wikipedia.org/wiki/Latin-influence-in-English>
- Mc Carthy, M.J. (1990). *Vocabulary*, Oxford: OUP
- Nation , L.S. P. (2001) *learning vocabulary in another language* Cambridge: CUP.
- Nunan, D. (2003). *Practical English Language Teaching* New York: Mc Graw Hill / Contemporary
- Richards, J.C. & Renandya, W.A. (Eds). (2002). *Methodology in language teaching*. Cambridge; CUP
- Richgels, D & Mateja, J. (1984). *Gloss II: Integrating content and process for independence*. *Journal of Reading*, 27(4), 424, 431.
- Schmitt. N., Schmitt, D., & Clapham, C, (2001), *Developing and exploring the behavior of two new versions of the vocabulary level test*. *Language testing*, 18, 55-88.

- Stewrat, R.A. & Gross, T.L. (1993). A field test of five forms of marginal gloss study guide: An ecological study, *Reading Psychology; An International Quartely*, 14, 113-139
- Stewrat. R. A. & Gross, T.L. (1991). The effect of marginal glosses on reading comprehension and retention. *Journal of Reading* , 35(1), 4-12.
- Tahineh, Sh, Y, (2010), Teaching English word. Formation processes in EFL. Context is an English Issue: A Critical View on a textbook. *Journal of human sciences* 45(7), 1-28.
- [www.cs.bham.ac.uk/pjh/sem1a5/Pt2/Pt2-intro-morphology.htm/](http://www.cs.bham.ac.uk/pjh/sem1a5/Pt2/Pt2-intro-morphology.htm/)
- [www.cunk.edu.hk](http://www.cunk.edu.hk)
- [www.Roshd.ir](http://www.Roshd.ir)
- Zhi- Liang, L (2010). A study on English vocabulary learning strategies for Non-English Majors in Independent college. *Cross – cultural communication*. 6(4), 154.
- آریانپور کاشانی ، عباس ، فرهنگ کامل انگلیسی فارسی ، انتشارات امیرکبیر ، 1363
- البرزی ، امیرحسین ، تجزیه و تحلیل ریشه شناسی واژه های زبان انگلیسی ، انتشارات پژوه ، 1386
- پاکباز ، رویین و همکاران (1392). فرهنگ اصطلاحات هنری و اعلام هنرمندان ، تهران: فرهنگ معاصر
- قنبری ، عبدالله ، کاشف ، زهرا (1388). فرهنگ و هنر و روابط فرهنگی انگلیسی – فارسی ، تهران: جنگل ، جاودانه

Title:

Etymological Analysis of Art Words, painting Elyas saffaran, ph.D<sup>1</sup> Elena Toubae<sup>2</sup>

1. Assistant. Professor of Art Department, Payame Noor university, Tehran, Iran

Saffaran@Pnu.ac.ir.payameNoor university, Zip code 19395-3697, Tehran, Iran

2. M.A. student in Art Research, Payame Noor university, Terhran, Iran.

Elena-toubae2007@yahoo.com

**Abstract:**

Vocabulary is a key component of language proficiency and provides much of the basis of how well learners speak, listen, read and write. As different people involve in second language learning, such as material writers, syllabus developers, teachers and learners, the importance of this issue increases. This research is intended to offer an opportunity for the art students particularly painting of art words to find out the meaning of the words, without a concern of memorizing English words. The question is brought up within the analysis of this research, "what is word analysis and how can we find out the meaning of a word through it." To gather information in research method, this research has utilized from library resources, articles and related books in this regard. This research also presents Latin and Greek roots, prefixes and suffixes and it tends to analyze forty art words in painting major. The result of this research is that, in word analysis we can analysis the words into the constituent elements (morphemes) and then with juxta posing of these morphemes, we can find out the total meaning of the word.

Key words: words analysis, etymology, English Language, painting